



سیاست ۲

حجت‌الاسلام ریسی: مردم‌رای‌شان به مقاومت است نه مذاکره

# کائناات

برده برداری از ناکامی های مردم و رنج کودکان کار و تبعیض های نژادی؛

پایان خوش یک جشنواره از پیش سیاسی شده



وژنامه

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۸ | ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ | ۱۲ فوریه ۲۰۲۰ | شماره ۳۶۱ | صفحه ۸ | ۲۰۰۰ تومان

۴۱ سال حضور تاثیر گذار مردم در مراسم سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی؛

## روحانی: انسداد دروازه انتخابات مردم را به مسیر انقلاب هدایت کرد



### تحلیل

دیگر تکلیف های فردر برابر دولت را بیان میدارد این رابطه را شهروندی میگویند. البته آنچه این رابطه را تنظیم می نماید قانون اساسی و قانون مدنی کشوری باشد. از جانب دیگر منزلت و جایگاه فرد در رابطه با دولت در منظومه حقوق بین الملل را در مفهوم شهروندی قابل تعریف میدانند. از منظر برخی اصحاب نظران اساسا کسی شهروند شمرده می شود که تنهافرمانگزار دولت نباشد، بلکه از حقوق از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد دولت این حقوق را رعایت و از آن ها حمایت کند. به مفهوم دیگر در اندیشه مدرن مفهوم شهروندی، در واقع بدیل و جایگزین « رعیت » است. زبردست مفهوم رعیت فرد دارای هیچگونه حقی نبوده و فقط در پر توطیف و توجه اربابان « قدرت » قادر به زندگی خواهد بود. اما در مفهوم « شهروندی » حقوق سیاسی چون حق رای دادن، حق بدست آوردن مشاغل رسمی، برخورداری از آزادی های فردی و طبیعی، و... برای فرد گنجینه شده است و اگر وجایی میان فرد و دولت وجود دارد این وجایب دوسویه بوده و هر یک لازمه دیگری است. - قانون گرای: در تعریف قانون آورده اند که: قانون مجموعه ای از اصول و قواعد بنیادی و کلی است که چارچوب سازمان دادن و مناسبات و روابط قدرت را در حکومت بیان میدارد. به معنی دیگر « قانون » اختیارات لازمه حکومت را محدود و مشروط می نماید، شبیه یک صدا و سیما دوشنبه شب اولین بخش می شود. قانون می تواند حقوق افراد و شهروندان و آزادی های مربوط به آنان در برابر خودمختاری اکثریت و حکومت دفاع نماید. در واقع آن چیزی که وفاداری حکومت گران را از راه انتخابات نسبت به خواست مردم تضمین می نماید، قانون اساسی است. بنابراین قانون اساسی واسطه ای میان مردم و حاکمان در نظام دموکراسی است. شاید بر اساس رای اکثریت بتوان حکومتی را وجود آورد، اما بدون قانون اساسی دموکراسی در مفهوم واقعی آن، تحقق نمی یابد.

حد اکثری از دموکراسی، مفهوم حداقلی از دموکراسی قربانی گردیده و یافراموش شده است. - حاکمیت مردم: اساسی ترین اصل دموکراسی حاکمیت مردم است. در واقع فلسفه محوری اندیشه و نظام دموکراسی، مخالفت در برابر حکومت و قدرت مطلقه و مستبدانست؛ زیرا در آنان « قدرت » در انحصار طبقه و قشر خاص قرار گرفته و بصورت نامحدود و مهارناپذیر از آن بر علیه منافع مردم استفاده می گردد. این یعنی اینکه مفهوم واقعی حاکمیت مردم این است که حکومت ها قدرت و اقتدار خود را از منبع دیگری جز خواست، اجماع و رضایت مردم، بدست نمی آورند. منشاء هر گونه تغییری مردم اند. آن چیزی که نامدو تضمین حاکمیت مردم در نظام دموکراسی شمرده می شود، مرز و شاخصه تفاوت نظام های مستبد و دموکراتیک « حق حاکمیت مردم » است. - حقوق بشر: مجموعه حقوق و ارزش های انسانی که مبتنی بر حکم انسان بودن، تجمع گردیده است؛ حقوقی که یکسان به افراد بشر داده شده و جزء ذاتی وجدانی ناپذیر موجودیت انسان شمرده می شود؛ و نهادهای حقوقی قضایی بایستی از آن دفاع و حمایت نمایند. مفهوم حقوق بشر ریشه در مفهوم « حقوق طبیعی » و به شکل گسترده تر آن دارد، که در واقع در کنار سایر اصول و مبانی یاد شده، جوهر دموکراسی را تشکیل میدهد. نظام دموکراسی به خارج نهادن و تأکید بر کرامت انسان بدور تعلقات، قانون مداری، حاکمیت مردم، اصلت برابری و رضایت عامه، بر رعایت حقوق بشری را بعنوان یکی از محوری ترین اصول تضمین نموده است. در نظام سیاسی که « انسان » در آن کرامت نداشته باشد، حقوق اساسی او را یابا برابری ها و تبعیض ها نادیده انگارند. و... قطعاً هیچ ارتباط وهم سخنی با نظام دموکراسی ندارد. - شهروندی: رابطه و مناسبات فرد با دولت که از یک سوی از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار باشد و از سوی

### دموکراسی و قانون

**کائناات رضائقی آبادی -** دموکراسی به آن نوع نظام سیاسی اطلاق می گردد که شالوده و جوهر اصلی آن را « مردم » تشکیل میدهند. یعنی قدرت سیاسی در دموکراسی معطوف به اراده و رضایت مردم می باشد. به معنی واضحتر تنهامنابع مشروعیت قدرت حکومت، اراده مردم است که می توانند رضایت باعدم رضایت خود را از عملکرد حکومت از طریق مجاری خاص بروز دهند. اما در باب مبانی دموکراسی: - اصلت برابری و قبول اشعار میدارد که دموکراسی در صورتی از ذهنیت در عینیت جامعه تحقق خواهد یافت که عملکرد حکومت بروفق خواست و رضایت شهروندان مبتنی باشد. دانشمندان علوم سیاسی بر این عقیده اند که قبول و رضایت شهروندان تنهامنابع تعهد و التزام آنان در اطاعت از قوانین و اقتدار برای حکومت به شمار می رود. - اصلت برابری: مفهوم اصلت برابری بر این نکته تأکید دارد که همه انسان ها، فقط بخاطر انسان بودن و وجدای از تعلقات شان، دارای ارزش و کرامت می باشند و نباید ارزش برای همگان یکسان است. این برابری انسان علاوه بر اصالت ذاتی، یعنی انسان بودن؛ در بعد سیاسی بر این موضوع اشاره دارد که افرادی که جامعه بعنوان شهروندان، بدون تبعیض و نابرابری بخاطر تعلقات شان در نزد حکومت و قانون از آزادی و حقوق یکسان برخوردار می باشند. بنابراین در جامعه و نظام دموکراتیک اهمیت اصلت برابری افراد در این است که همگان از برابر حقوقی بعنوان حقوق شهروندی برخوردار باشند. این حقوق شهروندی و مدنی مانند آزادی بیان، حقوق سیاسی، دسترسی به فرصت ها و امکانات اجتماعی و سیاسی، و... - تحقق برابری سیاسی و حقوقی موجب خواهد شد که جامعه از موضع دموکراسی حداقلی (برابری سیاسی و حقوقی) به دموکراسی حداکثری (به مفهوم برابری اجتماعی، اقتصادی) دست یابند. بدون دسترسی به آزادی و حقوق سیاسی، دست یابی به حقوق اجتماعی و اقتصادی میسر نخواهد شد. این نکته ظریفی است باید میان آن ها تمایز قائل شد. زیرا همواره با برداشت

### یادداشت

### جشن موسیقی

**کائناات مجتبی ملکی -** سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر هم زمان و در گرامیداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران از تاریخ ۲۴ تا ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد. موسیقی سنتی ایرانی نوعی بدیهه گویی بوده و اساس آن یک سری از مدل ها قیاسی است که باید حفظ شوند. هنر آموزان و استادان دارای ارتباطی سنتی بوده اند که این ارتباط در قرن بیستم و به موازات حرکت تعلیم موسیقی به دانشگاه ها و هنرستان ها رو به زوال نهاده است. یک نمایش مرسوم این موسیقی، از « پیش در آمد » (مقدمه اولیه)، « در آمد » (مقدمه)، « تصنیف » (آهنگ، وزن دار به همراه آواز خواننده)، « چهار مضراب » (وزن دار) و تعداد انتخابی « گوشه » (حرکات) تشکیل می شود. به صورت غیر مرسوم، این قسمت را می توان تغییر داده یا حذف نمود. با نزدیک شدن به پایان دوره صفویه (۱۷۲۴-۱۵۰۲)، نواختن گوشه های پیچیده ۱۰، ۱۴ و ۱۶ ضرب متوقف گردیدند. امروزه قطعات در حالت ۶ یا حداکثر ۷ ضرب نواخته می شوند که مایه تانف است. بسیاری از ملودی ها و مدهای این موسیقی در مقام ها ترکی و موسیقی عربی می شوند. بیش از تأثیرات امپراطوری ساسانی، این دلیل دیگری بر این واقعیت است که ملودی های موسیقی سنتی ترکیه، سوریه، عراق و مصر شامل اسامی مقیاس ها و مدهای ایرانی هستند. در طول تاریخ، موسیقی سنتی بیشتر با صوت در ارتباط بوده است؛ و حتی سراینندگان نقشی اساسی را در خلق و اجرای آن داشته اند؛ او تصمیم می گیرد چه حالتی جهت ابراز مناسب بوده و اینکه چه دستگاهی مرتبط به آن است. در خیلی از موارد، سراینده مسئولیت انتخاب شعری که باید با آواز خواننده شود را نیز بر عهده دارد. چنانچه برنامه نیاز به یک خواننده داشته باشد، خواننده باید با حداقل یک آلت بادی یا سیمی و حداقل یک نوع آلت ضربی همراهی گردد. البته می توان یک مجموعه از آلات موسیقی را یکجا داشت ولی سراینده اصلی نقش خود را ابقاء نمایند. زمانی لازم بود که نوازندگان خواننده را با نواختن قطعه به صورت تکی همراهی کنند. به صورت سنتی، موسیقی در حال نسیسته و در محل های مزین شده به پشتی و گلیم نواخته می گردید. گاهی در این محل ها شمع روشن می کردند. گروه نوازندگان و سراینده نوع دستگاه و اینکه کدام گوشه اجرا شوند را با توجه به شرایط زمانی و مکانی و... مشخص می نمودند. قبل از حمله مغول ها و اعراب، ملودی های، در آن نغمه هائی از « اوستا » کتاب دینی پیامبر زرتشت مندرج شده است. در زمانه های پیش از آن حال و هوا همخوانی داشت. واژه « گاه » دو معنی دارد: در زبان پهلوی هم بمعنای « گات » (عبادت کننده اوستائی) و همچنین « زمان ». حالات یک گاه، دو گاه، سه گاه چهار گاه، پنج گاه، شش گاه و هفت گاه، را جهت بیان داستان های گات ها از یک تا هفت زمزمه می نمودند. اخیراً کشف شده که حالت « راست » (ادبی، حقیقت) جهت بیان داستان هائی در خصوص افراد یا کار های در ستکار و « شکسته » (ادبی، شکسته) برای بیان داستان ها درباره خطا کاران استفاده می شده اند. حالت « همایون » در هنگام صبح اجرا می گشت. اکثر این حالت ها، بجز احتمالاً « شش گاه » و « هفت گاه » هنوز در سیستم امروزی مورد مصرف دارد. علی غم وجود این شواهد، نوازندگان هنوز تمایل به نسبت دادن مستقیم معنی « گاه » به « زمان » یا « مکان » حرکت یک آلت موسیقی دارند.

حکومت چند صدساله مغول ها در ایران و قتل و غارت و تجاوز مستمر آن ها باعث شد که به نوعی شادی هم از جامعه رخت بریند. از آنجا که موسیقی به سبک سینه به سینه آموزش داده می شد و دستگاه ها و تجهیزات امروزی برای ضبط موسیقی وجود نداشت، متأسفانه طی چند صد سال ملودی های شاد فراموش شدند. شایان ذکر است که چند تحرک احتمالاً باستانی محسوب نشده و فقط خیلی قدیمی هستند. همانگونه که در طول تاریخ سابقه داشت، موسیقی سنتی ایرانی به عملکرد خود به عنوان ابزاری روحانی ادامه داده و کمتر به عنوان وسیله تفریح به آن نگاه می شد. آثار موسیقی امکان تغییر گسترده از آغاز تا پایان و معمولاً به صورت تغییر بین قطعات پایین، تفکری، نمایش پهلوانی نوازندگی با نام تحریر را داشتند. تعامل متون مذهبی به عنوان غزل جایگزین غزل های بزرگی گردید که توسط شاعران صوفی قرون وسطی خصوصاً حافظ و جلال الدین رومی سروده شده بودند. علاوه بر این موسیقی ایرانی دریافتی از دردها رنج ها خوشی های یک تمدن چندین تکه که یک پارچه است که امروزه بسیاری از یاد بوهای آن مانند گوشه ها (حسینی جامه دران شیدیز...) گواه این مدعا ست.

### سرمقاله

### امام و مردم سالاری دینی

**کائناات رضا امیری مهر -** رئیس جمهور در اجتماع عظیم راهپیمایان ۲۲ بهمن گفت: «ملت ایران در سال ۵۷ مردم سالاری را انتخاب کرد». به لحاظ تاریخی برای مردم سالاری دو تاریخ محزا می توان در نظر گرفت: یکی مردم سالاری که با تجلی در مدینه النبی به منصف ظهور رسید و در سیر تحولات جهان اسلام ادامه یافته و با پیروزی انقلاب اسلامی، ظهوری دیگر یافته است که از آن به نام «مردم سالاری دینی» یاد می شود و دیگری مردم سالاری شکل گرفته در جامعه غربی که اصطلاحاً می توان آن را «مردم سالاری سکولار» نامید؛ اگر چه این نام در ادبیات غربی متعارف نیست و از آن به مفهوم «مردم سالاری» یاد می شود. در این مقاله اشاره خواهد شد که مردم سالاری دینی ضرورتاً از مفهوم دموکراسی غربی به عاریت گرفته نشده است، زیرا مردم سالاری دینی و دموکراسی غربی تفاوت های بنیادین با هم دارند که مشهورترین آنها این است که دموکراسی دارای خاستگاهی اومانیستی است، ولی مردم سالاری دینی فقط در قالب و بستر جهان بینی الهی قابل طرح است. مام راحل برای نگهداری و حضور مردم در صحنه راه حل ارائه می دهند. از جمله این که باید مردم را که خود در وزارتخانه ها و ادارات به خدمت مشغولند در صحنه نگهداشت و با آنان به گونه ای عمل نکند که ناراضی باشند در آن صورت است که مردم از صحنه خارج می شوند. همان اصلی که تحت عناوین دیگر چون جلوگیری از نارضی تراشی، بی توجهی به مردم، فاصله گیری از مردم... نیز هشدار داده است. به عین سخنان امام توجه فرمایید: «... ما را راجع به تجارت، راجع به صنعت، راجع به اینها اگر مردم را شریک خودتان نکنید، موفق نخواهید شد.» یا این سخن: «اینها باید حال فکر این معنا باشند که مردم را داشته باشند و یکی از راه های این است که وزارتخانه ها و ادارات یک جوری باشد که ناراضیانی ایجاد نکند.» امام امت بحث مردم و حضورشان در صحنه و فراز و نشیب های خاص انقلاب را به مراحل عمیقتر و باریکتری می کشاند. تا آنجا که در فلسفه وجودی حضور مردم دقت یافته و یک جامعه شناس مسلط به روان شناسی اجتماعی راه حل های اجرایی و عملی بیان می دارد. امام معتقد است که انقلاب از آن مردم بوده است و امروز هم قویترین پشتوانه انقلاب همان مردمند و صاحبان اصلی انقلاب را مردم می داند. امام دقیق و باریک بینانه تر از هر کس می داند تا زمانی که این مردم انقلاب را مال خود ندانند، حافظ و پشتیبان آن نخواهند بود. امام می فرماید: «امروز کارهایی که در ایران می شود، کارهایی که مربوط به جمهوری اسلامی است، از باب این که مردم از خودشان می دانند و جسداً نمی دانند، هیچ نهادی را از خودشان، از این جهت فعالند در کارها و ما باید هر چه بیشتر مردم را حفظ کنیم و مردم باید هر چه بیشتر در صحنه حاضر باشند.»

نکته دیگر احترام مقرون به تواضعی است که از عبارات و بیانات امام نسبت به مردم مستفاد می شود، احترامی که وقتی با شأن و مقام امام به آن می اندیشیم و در عباراتش فرو می رویم در می یابیم که بین آن امام، با برخی که هنوز در بستر تعلقات و حسابگری های دنیوی اسیرند و هر چند ضعیف اما باد غرور و نخوت در سر دارند؛ فاصله بسیار است. برخوردی بی ریا، صمیمانه از ابرمردی که در خمگرد هر نگاهش جهانی بهت موج می زد و فریاد بلندش بر اندام استکبار لرزه می انداخت و در ذهن هر شیدای موحدی که جان از مهر علی زلال داشت، خصایل بلند انسانی الهی علی را تداعی می کرد. مردی که وقتی خنجر غضب از نیام خشم بیرون می کشید یک تنه با تمام ابرق درتها در می افتاد، همان مرد در برابر مردم می فرمود: به من خمگزار بگویند بهتر است تا رهبر.

اصولاً افرادی که افق و فضای دید محدودی دارند با دیدن یک حرکت کوچک تحریفی از سوی مردم مایوس می شوند و چه بسا زیر لب یا در خفا از دست مردم ناله کنند، تلقی های محدود زایدده ظریفیهای محدود است. امام با مردم بسیار دوستانه و صمیمی حرف می زد. «مردم، مردم خوبی هستند، ما از مردم تشکر باید کنیم، ما همه مروهون آنها هستیم.» افراد معمولی تا وقتی کاری دارند با زبانی آرام و نرم حرف می زنند و به قول معروف هنگامی که گیرشان رفغ شد و مشکلاتشان حل و به وادی مراد قدم نهادهند، عقبه ها و مصایب و مشقات را در فرخانی آسایش و لحظه های رفاه و نعمت از یاد می برند این را اصل غفلت یا غفلت زدگی یا نسیان باید گفت. امام با وجودی که چندین سال دور از مردم بودند رفتار و سلو کشان با مردم بسیار صمیمی و آگاهانه تر از کسانی بود که در بین مردم زندگی کرده بودند. بارها تأکید فرمودند که بار سخنی ها و مصایب انقلاب را مردم ستمدیده به دوش کشیده اند، همیشه از دیدار مردم به خصوص قشر مستضعف احساس شوق و شادمانی می کرد. امام خدمت به مردم را وظیفه شرعی می دانست، تکلیف می دانست و معتقد بود هر کس به هر اندازه که توان و وسع دارد باید به این مردم خوب خدمت کند.



این پرورنده غیر از متهم اصلی روح الهی زم پنج بازداشتی دیگر هم وجود دارند و افرادی هم احضار شده اند که پرورنده آن ها در دست بررسی است. از سوی دیگر شبیه یک صدا و سیما دوشنبه شب اولین بخش از پشت پرده ارتباطات «روح الله زم» را پخش کرد. این بخش در قالب مستندی به نام «پرسه در مه» به نمایش گذاشته شد. نخستین جلسه دادگاه زم سه ساعت و دو در نوبت برگزار شده است. در پایان اولین جلسه دادگاه قاضی صلواتی با اعلام ختم جلسه دادگاه گفت: «زمان برگزاری جلسه بعداً متعاقباً اعلام خواهد شد.»

برگزاری اولین جلسه دادگاه علنی روح الله زم با ۱۷ بند اتهام؛

### پرسه جاسوسی در مه

**کائناات** اولین جلسه دادگاه روح الله زم به ریاست قاضی صلواتی در تهران برگزار شد. نماینده دادستانی در این جلسه کیفرخواست متهم را در ۱۷ بند قرائت کرد. افساد فی الارض، جاسوسی برای اسرائیل و همکاری با آمریکا از بندهای کیفرخواست بودند. اولین جلسه دادگاه روح الله زم با ۱۷ بند قرائت شد. نماینده دادستانی در این جلسه کیفرخواست متهم را در ۱۷ بند قرائت کرد. «افساد فی الارض، جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی اسرائیل به واسطه سرویس اطلاعاتی یکی از کشورهای منطقه، جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی کشور فرانسه و همکاری با دولت آمریکا علیه ایران» جزو مواردی هستند که وزیر نماینده دادستان در کیفرخواست زم عنوان کرد. نماینده دادستان در



خبر